

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۳ جون ۲۰۱۵

مجلس بیستم (در قول بدون عمل)

بامداد روز جمعه، بیست و یکم ذی القعدة سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ عبدالقادر (قدس سره) در مدرسه چنین فرمودند: شمای اهل این شهر، همانا نفاق در میانتان بسیار رواج یافته است، و اخلاص در اعمال و گفتار تان کاهش پیدا کرده است. گفتار بدون کردار دارای ارزش و اعتبار نیست، مانند آنست فردی کاری را اراده نماید ولی آن را انجام ندهد، قول بدون عمل، به مانند خانه ای است که درو پیکر و سایر ملزومات را نداشته باشد یا مانند گنجینه ای است که از آن انفاق نشود، یاد عای بدون شاهد و مدرک است، یا صورت بدون جان! و یابستی بی دست و پا. روح اعمال همانا، اخلاص و توحید و ثبات و پایداری بر اجرای احکام قرآن و سنت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) است. غفلت مورزید، خویشین را تغییر دهید تا به مقصود رسید. اوامر خدای را به جای آورید، از منهیات اجتناب کنید و با مقدرات سازگاری داشته باشید.

افرادی از مردم هستند که دلهای خود را به زلال انس آبیاری می کنند، به مشاهده قرب شادمان می گردند، آلام و دردهای ناشی از قضا و قدر را احساس نمی کنند، و همواره در پیشگاه قدس الهی شاکر و سپاسگزارند، در تمام احوال چه نیک و چه بد کوچکترین اعتراضی ندارند و هیچگاه لب به شکوه و شکایت نمی گشایند، اینگونه افراد اندک اند که وجود شان از حقیقتی - برتر - برخوردار است.

سختی و بلا بر هر قومی نازل می شود، همانگونه که بر شما نازل می گردد. منتهی در بین مردم افرادی هستند که دارای صبر و شکیبائی می باشند و عده ای دیگر، از آن گریزان و از مقام صبر بی خبرند. به هنگام مصیبت ایمان ضعیف به منزله کودکی است که در برابر هر چیز بی تابی و نا آرامی نشان می دهد. ولی ایمان قوی به مانند جوانی رشید و برومند است که در مقابل هر مشکلی پایداری خواهد کرد. رضاء و تسلیم در برابر مقدرات نشانه پختگی و بلوغ عقلی است، که شخص با علم و آگاهی خدای رامی نگردد و به خواستههای او تسلیم می شود. وجود قلب آگاه موجب فنای در حق می شود، و تسلیم باطن به حق حالت مشاهده و جلال و عظمت الهی است. مرد خدادر این حال از وجود و باطن خویش بکلی عاری می گردد، و خود را نزد حق می یابد. در مشاهده جمال حق از خود بیخود و ذوب می شوند، زمانی که اراده حق به فعلیت درآید، اعضای از هم گسیخته او را جمع می کند، و بار دیگر به حالت خود برمی گرداند، بدانگونه که در روز قیامت اجساد پراکنده و استخوانهای پوسیده مردم را جمع و زنده می کند، و اسرافیل را فرمان می دهد که در ارواح بدمد. آنروز، روزی حق و ثابت است. اما مردان خدا که در دنیا به مقام قرب می رسند، و به واسطه مشاهده عظمت و جلال حق متلاشی می شوند، بدون واسطه به حالت اول باز می گردند، بایک نظر نابود و بانظر دیگر هست می شوند.

شرط محبت و دوستی آنست که نزد دوست و محبوبیت کمترین اراده و اختیاری از خود نداشته باشی، و جز مهر دوست، به چیزی دیگری از ظواهر زندگی دنیا مشغول نگردی. محبت خداوند مسأله کوچکی نیست که هر کس آن را مدعی شود. فراوان از مردم این ادعا را داشته اند، اما از آن بدور بوده اند. و چه بسیار که ادعائی نکرده و به مقصود رسیده اند. هیچ کس از بندگان خدا را کوچک م شمارید و تحقیر نکنید، زیرا اسرار حق در بین همگان پراکنده است، کسی نمی داند که فرد تحقیر شده بهره ای از اسرار را دارد یا خیر. فروتن باشید و از تکبر و خودخواهی پرهیز نمائید. از خواب غفلت بربخیزید، چون شما را در غفلت بزرگی می بینم، بدانگونه که تصور می کنید محاسبه شده اید و از پل صراط هم گذر کرده اید، و جایگاههای خود را در جنت مشاهده نموده اید، این فریفتگی و غرور آشکار است.

هر کدما از شما خدارا نافرمانی کرد، و در خصوص آن تفکر نکرد و اقدام به توبه نمود چنان است که می پندارد (گناهانش) فراموش شده است؟ خیر، تمام آنها در نامه اعمالتان با تاریخ دقیق آن ثبت شده است. مورد محاسبه واقع خواهید شد و به هر عمل کوچک یا بزرگی پاداش و پادافره داده می شود.

بیدار شوید ای غافلان، هوشیار گردید ای در خواب غفلت فرورفتگان، خویش را به رحمت خداوندی عرضه نمائید. هر کس مرتکب گناه شد و بر ادامه آن اصرار ورزید، و توبه نکرد و نادم نشد و درصدد تدارک و جبران بر نیامد، و صرفاً دنیای بدون آخرت و خلق بدون خالق را در نظر داشت، بزودی قاصد و پیک کفر به سویش می آید.

بدانید که ترس شما فقط از فقر و امیدتان تنها توانگری است. (یعنی اینگونه افراد آنچه را که منظور نظر دارند تنها کم و بیش زندگی و دارائی دنیوی است.)

وای بر تو! شگفتا! روزی مقسوم و مقرر است، نه کم می شود و نه زیاد، و نه تأخیر و تقدیم پیدای کند. توا چیزی شکایت داری که خداوند تضمین کرده است. به چیزی که بهره تونیست آرزومندی. این حرص و آرزو تو بر مال دنیا، از حضور در مجالس علم و علماء محروم کرده است، چرا که می ترسی مشتریان کم شوند و از سود و ربحت کاسته گردد.

وای بر تو! تو کودکی بودی در شکم مادر، آیامی دانی چه کسی به تو طعام می داد؟ اما کنون بر خود در هم و دینارت، و خرید و فروشت، و فرمانروای شهرت متکی هستی، تمام آنچه را که بر آن اعتماد داری و هر آنچه از آن بیم داری یا امید بر او بسته ای، به منزله خدای تو می باشد. تمام چیزهایی که سود و زیان خود را وابسته بدانها میدانی و غافلای از این که خدای عزوجل مجری آنهاست، در حکم خدایت می باشند. بزودی نتیجه اعمالت را خواهی دید، خدای تبارک و تعالی، بینائی و شنوائی و قدرت و ثروت و دارائی ات را خواهد گرفت، و هر آنچه را که بر آن اعتماد کرده بودی از تو سلب می کند، میان تو و دیگران فاصله ایجاد می کند، و دلهای ایشان را نسبت به تو سخت می گرداند، و از کار و شغل برکنار می کند، تمام درها را به رویت می بندد، به طوری که همواره از دری به در دیگری روی آوری، ولی نه کسی لقمه ای به تو عطا می کند، و نه ذره ای مورد محبت قرار می گیری، هرگاه خداراهم بخوانی اجابت نمی شوی، تمام اینها به علت شرک تو به خدا و اعتماد به خلق خدا و طلب نعمت از مردم و عصیان در برابر خداوند به منظور خوشحال و راضی نگهداشتن خلق، دامنگیرت می شود. می بینی فراوان از مردم به این روز گرفتار شده اند و اغلب آنان از گناهکاران و عاصیان اند. اما کسانی هم از آن گروه هستند که از اعمال خود نادم و پشیمان می شوند و با توبه واقعی به سوی حق بر می گردند، خداوند نیز به دیده رحمت در آنان می نگرد، و به کرم و لطف خود توبه آنها را می پذیرد.

ای مردم هر چه زودتر توبه کنید، ای علماء، ای دانشمندان دینی، ای زاهدان، ای عابدان، بدانید هیچ کدام از شما از توبه بی نیاز نیست، از اخبار و احوال شما آگاهم، چه در زمان حیات و چه در زمان ممات. هرگاه در آغاز کارتان اشکال داشته باشم، در هنگام مرگتان برایم روشن خواهد شد. هر وقت وضعیت مال و دارائی شما بر من پوشیده باشد، در محل صرف آن می نگرم، اگر در جهت زن و فرزند و فقراء و مصالح مردم هزینه شد، می دانم که اصل آن از حلال است. و اگر در راه

صدیقین که خواص حقد صرف شد، می دانم آن مال باتوکل به خدا به دست آمده و حلال مطلق است. من در بازارها همراه شمانیستم، ولی خداوند متعال بدین طریق راه شناخت حلال و حرام را به من آموخته است.

(یاغلام) بترس از این که خداوند متعال در دلت غیر خود را ببند و خوارت کند. بترس از این که در قلبت غیر خدا، و امید به غیر خدا، یا مهر غیر خدا ببیند. دلهایتان را از غیر خدا خالی کنید سود و زیان را جز از خدا، از دیگری طمع مدارید. شما در خانه خدائید و مهمان او می باشید.

(یاغلام) هر چه از زیبایی های ظاهر رami بینی و به آن دلبستگی پیدامی کنی، بدان آن ناقص است و موجب بازخواست. مهر واقعی آنست که غیر قابل تغییر باشد، و آن تنها حب خداوند است، که با دیده باطن می توان دید. و این نوع خدادوستی خاص صدیقین و علمای عامل است، که بایقین کامل خدا را دوست دارند، و در نتیجه پرده ها از پیش دیدگان باطن آنان کنار رفته است. چیزهایی را پس پرده می بینند که زبان از شرح آن ناتوان و عاجز است.

بار خدایا محبت خود را با عفو و عافیت نصیب ما گردان.

روزی و بهره های دنیائی تان نزد خداوند ودیعه است، هر گاه زمان و اجازه وصول آن به شما رسد کسی قادر به منع و جلوگیری از آن نیست. باید به کسی بخندی و ابلهش دانی که در طلب روزی مقسوم یا در طلب روزی که هنوز اذن تحویل آن صادر نشده، بیهوده کوشش می کند.

(یاقوم) از باب دنیا روی بگردانید و به درگاه حق روی آورید، آنگاه دنیا پیرو و تابع شما خواهد شد. از خدای عزوجل بخواهید نعمت عقل را نصیبتان گرداند.

هر گاه دنیا به اولیاء الله روی آورد، بدو می گویند برو و دیگری را فریب ده، ما ترا دیده ایم و شناخته ایم، ما را نیازمائی، چهره ات را مشاهده کرده ایم، زیبایی ات را به رخ ما نکش، زیرا زینت‌هایت به سان بت چوبی خالی از محتوا است، جسم فاقد روح است.

تو ظاهری بدون معنی هستی. رخسار تماشائی نداری، زیبایی واقعی و چهره تماشائی مخصوص آخرت است. هر گاه زشتیهای دنیا نزد این قوم ظاهر شود از آن می گریزند. به بیابانها و دشتها و خرابه ها و غارها پناه می برند و به اینگونه اماکن انس می گیرند. با فرشتگان و موجودات غیبی تماس حاصل می کنند.

مرید صادق در مقام ارادت حق عزوجل در آغاز کار، از دیدار خلق و شنیدن گفتار آنان و دیدن ذره ای از ظواهر دنیا اکراه دارد. نمی تواند چیزی را ببیند، قلبش پریشان و عقلش غائب و دیده اش خیره می باشد، تا زمانی که دست رحمت حق بر سرش کشیده شود، و سکون و آرامش باطنی بدو دست دهد. هماره به سان مستان است، تا وقتی که بوی انس به مشامش رسد و هوشیارش گرداند. و همین که، توحید و اخلاص و معرفت حق در دلش جای گرفت، در خصوص امور مردم، ثبات و گشایش خاطر برایش حاصل می شود، نیروی توانبخش الهی به سویش می آید، ووی را بر تحمل تمام مشکلات و معضلات مردم توانا و قادر می سازد. به خلق نزدیک می شود و تمام همتش صرف راهنمایی آنان می گردد، در حالی که لحظه ای از یاد حق نیز غافل نیست.

زاهد مبتدی از خلق گریزان است، اما زاهد کامل از مردم گریزان نبوده و آنان را می طلبد، چون معرفت کامل خداوندی را حاصل کرده است، لذا از نزدیکی و مصاحبت با مردم باکی ندارد. هر کس خدای را به حقیقت شناخت نه از چیزی می گریزد، و نه از کسی خوف و بیم دارد. مبتدی از فاسقان و نافرمانان می گریزد، اما منتهی و به کمال رسیده آنان را می طلبد، چون می داند درمان دردهایشان نزد او می باشد، از اینرو یکی از آنان رحمت خدای بر او باد در این زمینه گفته است: جز عارف واقعی، کسی بروی فاسقان لبخند نمی زند.

هر کس شناختش نسبت به حق کامل شد، به صورت دامی درمی آید که مردم را از دریای دنیا شکار می کند، و بدو نیروئی داده می شود که شیطان و لشکر یانش را شکسته، و مردم را از دست آنان نجات می دهد.

ای کسی که بازهد جاهلانه عزلت اختیار کرده ای، پیش بیاو گفتار مرا گوش کن، ای زاهدان روی زمین، پیش آئید و صومعه های خود را خراب نمائید، و به من نزدیک شوید. شما خلوت گزیده اید، اما بدون هیچ اثر وفائده ای. پیش بیائید و میوه های حکمت و اندرز را بچینید. خداوند شما را ببخشاید. به خاطر خویش نمی خواهم به من نزدیک شوید بلکه مصلحت شمارا در آن می بینم.

(باغلام) برای آموختن صنعتی باید متحمل رنج و سختی شوی، پس برای بنای غیرقابل شکست روحانی رنج هزار باره ساختن و ویران کردن راتحمل نما، وقتی در ساخت و ساز و تخریب بنای روحانی فانی شدی، بخدای عزوجل بنائی برایت خواهد ساخت، که ویرانی و خرابی بدان راه نیابد.

(یاقوم) کی چراغ عقل را فرا ره خود قرار می دهید؟ کسی را که به سوی حق رهسپار است کی درک می کنید؟ درجست و جوی مریدان حق باشید، هرگاه آنان را یافتید، باجان و دل ایشان را خدمت کنید، مریدان حق نشانه های ظاهری، و بویهای دلنواز دارند، چهره ایشان درخشان است، منتهی بیماری عدم شناخت، دیدگان فهم و ادراک شما را فرا گرفته است، که نمی توانید بین صدیق و زندق، فرق قائل شوید، قادر نیستید میان حلال و حرام، سمی و غیرسمی، مشرک و موحد، عاصی و مطیع، مرید حق و مرید خلق، تفاوت قائل شوید.

بزرگانی را که به علم خود عمل می نمایند خدمت کنید، تامل و قضایا را همانگونه که هست به شما بشناسانند. در شناخت ذات اقدس الهی کوشش نمائید، او را بشناسید و دوست بدارید. اگر قادر نیستید بادیده ظاهر خدای را ببینید بادیده باطن بنگرید. هرگاه نعم خداوندی را در نظر می آورید، به خاطر ضرورت بدان علاقه داشته باشید، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرموده است:

«أَحْبُوا اللَّهَ يُغْذِيَكُمْ مِنْ نِعْمِهِ، وَأَحْبُونِي بِحُبِّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِي» (خدای را به خاطر این که شمارا از نعمتهای خود بهره مند می سازد دوست بدارید، مرا نیز به جهت عنایت خدا نسبت به من دوست داشته باشید).

(یاقوم) به یاد آرید روزی را که در شکم مادرانتان بودید و خداوند از نعمتهای خویش شما را تغذیه می کرد. و پس از خارج شدن از شکم مادر، نیرو و قدرتتان بخشید، و روزی طاعت نصیبتان کرد، تا از پیروان رسولش صلی الله علیه و آله، گرداند، سپاس و دوستی رسول به سان سپاس و دوستی خداوند است.

هرگاه حصول نعمت را از خدا دانستید، دوستی عطا ی خلق از دلها پتان زوده می شود.

عارف خدا، به دیده باطن خدای نگر و همه نیکنی ها و ناخوشایندیها را از خدمتی دانند. دیگر برایش دیده ای باقی نمی ماند، که خوبیها، و بدیها را به دیگران نسبت دهد. هر نیک و بدی را از خلق ببیند، همه را به قدرت و خواست خدامحول می کند. دیدگاهش از خلق به خالق منتقل می شود. حقوق و حدود شرع را کاملاً به جای آورده و اجراء می نماید، کوچکترین حکمی از احکام شریعت را ضایع نمی گذارد توجه عارف دم به دم از خلق به سوی خالق برمی گردد، تاجائی که کاملاً از خلق بریده و به خالق می پیوندد. و بدو متوکل می شود. عطا و بخشش مردم را منتفی دانسته، و هر چه را از هر کس که بدو رسد به واسطه عنایات حق می داند. عقل و اراده اش استوار می گردد، و به نعمت عقل کامل از سوی خداوند نائل می شود.

ای کسی که در برابر خلق خود را فقیر می دانی، و مردم را با خدا شریک می دانی، بترس از این که روزی مرگ به سراغت آید و تو بر همان حال باقی باشی، خدای عزوجل در رحمت خود را بر روی کسانی که چنین حالتی داشته باشند، نمی گشاید، زیرا نسبت به اینگونه بندگان که بر مخلوق تکیه کرده اند، خصمناک است.

بر تولا زم است ابتداء از نفس تجرد حاصل کنی، بعد از مردم، سپس از دنیا و بالاخره از آخرت، آنگاه دوری از هر چیز، جز ذات اقدس الهی. اگر خواهان قرب مولائی، باید از خود، و اندیشه و افکارت، و گفتارهای پریشان اجتناب نمائی.

وای بر تو! در عبادتگاه خود نشسته ای، امدالت در خانه مردم و چشم انتظار بذل و بخشش آنانی!! روزگار خود را تباه کردی و به صورتی خالی از معنی و محتوا بدل شده ای.

به چیزی که خوند ترا شایسته و سزاوار آن ندانسته، انس مگیر، زیرا چنانچه خداوند اهلیت آن را به تو عطا نفرماید، نه تو و نه هیچ کس دیگر قادر نیست بدان دسترسی پیدا کند. خداوند هرگاه کاری را اراده فرماید آن را برایت آسان می کند.

چنانچه دلت بینا، و قلبت تهی از غیر نباشد، خلوت و تنهایی برایت نافع و سودمند نخواهد بود. خداوند، مرا بدانچه می گویم بهره مند گردان، و دیگران را به آنچه می گویم و می شنوند کامیاب فرما.

«ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار».